

بررسی چالش‌های سیاست صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطابق با نظریه سیستمی

مجید بهستانی^۱

محسن نساج^{۲*}

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش آن است که دریابد پیگیری سیاست صدور انقلاب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رهنمودها و اهداف انقلاب اسلامی ایران، چه آثار و پیامدهایی در عرصه‌های داخلی و خارجی برای نظام جمهوری اسلامی داشته است؟

روش‌شناسی پژوهش: به منظور پاسخ به پرسش فوق در این پژوهش کیفی از روش مصاحبه‌ی نخبگانی استفاده شده است. سپس برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، روش تحلیل محتوای متن‌محور مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در جهت تبیین بهتر دستگاه سیاست خارجی از چهارچوب نظریه‌ی سیستمی در این مطالعه بهره برده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها شامل استخراج چالش‌های سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سه حوزه ورودی، خروجی و بازخورد است.

نتیجه‌گیری: بر این اساس در مطالعه‌ی صورت گرفته با در نظر گرفتن دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سیستم به این نتیجه می‌رسیم که با تعریف سیاست صدور انقلاب در سیاست خارجی و در نتیجه چند سنگی نیروها، ضعف سازمانی و نیروی انسانی، پیامدهایی چون: بروز تناقض در سیاست‌های کلی نظام، سوءاستفاده از حسن نیت ایران، تنش با همسایگان و قدرت‌های بزرگ و تأخیر در شناسایی دولت جدید انقلابی؛ سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را درگیر خود کرد.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی ایران، چالش سیاست خارجی، صدور انقلاب، وزارت خارجه.

#. سازمان حامی دانشگاه امام حسین(ع) // تمام شده / ۱۳۹۹

Email: behestaniam@gmail.com

Email: M.nasaj@isu.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲- دانشجوی مقطع ارشد رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی

دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

مقدمه

صدور انقلاب به عقیده‌ی کرین برینتون، مقوله‌ای برخاسته از طبیعت انقلاب است (برینتون، ۱۹۸۴: ۲۲۶). که در انقلاب اسلامی متأثر از اسلامیت آن، ویژگی آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی پیدا کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۱۲۸). ماهیت انقلاب اسلامی در ایران در کنار تأکیدات و راهبردهای رهبران عالی و صاحب‌نظران انقلابی، منجر به طرح گفتمان صدور انقلاب به‌عنوان یکی از سیاست‌های بالادستی در زمینه سیاست خارجی کشور شد. هم متأثر از ریشه‌های دینی انقلاب اسلامی و هم متأثر از گفتمان انقلاب در جهان (بهستانی، ۲۰۲۰: ۸۹-۷۷)، از همان روزهای اولیه پیروزی انقلاب، اصل صدور انقلاب به‌عنوان یک ارزش و وظیفه ملی-اسلامی مورد تأکید رهبران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت به‌نحوی که به‌صورت قانونی و سیاست رسمی نظام درآمده است (قانون اساسی، مقدمه و اصول ۲، ۳ و ۱۱). بدل شدن مقوله صدور انقلاب به سیاست بالادستی نظام و به‌ویژه دستگاه سیاست خارجی- با محوریت وزارت خارجه - روابط خارجی جمهوری اسلامی را در بدو حضور در عرصه سیاست بین‌الملل، دچار چالش‌ها و پیامدهایی کرد. بر این اساس موضوع بررسی این پژوهش تمرکز بر ابعاد مختلف تأثیرات این سیاست عالی و ارائه‌ی تبیین و توصیفی از نتایج به بار آمده است. اهمیت بررسی این موضوع و مذاقه در ابعاد و آثار آن در این بوده که به شکل واضح و مبرهنی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این امر باشد که تعیین و اعلان یک سیاست رسمی به‌عنوان عامل اساسی در جهت‌گیری دستگاه سیاست خارجی چه نتایج و پیامدهایی را در گذر زمان برای نظام جمهوری اسلامی خواهد داشت؟ ضرورت این مطالعه در این است که عدم وقوع چنین بررسی‌هایی می‌تواند امکان بروز خطاهای مشابه را افزایش دهد. سیاست صدور انقلاب، از آغاز تاکنون پیامدهای مثبتی برای کشور و اسلام به ارمغان آورده و در ایجاد و ارتقای طیف گسترده‌ای از ظرفیت‌ها و منافع نقش به‌سزایی ایفا کرده است اما حصول این نتایج به شکل توأمان برای نظام جمهوری اسلامی و سیاست خارجی آن چالش برانگیز بوده‌اند. هدف این مطالعه آن است تا با انجام یک بررسی علمی، چالش‌های سیاست صدور را استخراج کرده و نتایج منبعث از اعمال و اعلان این سیاست را احصا نماید تا از این طریق به تشریح و تدقیق گفتمان پیش‌روی انقلاب اسلامی کمک نماید. به این ترتیب در پژوهش حاضر به این پرسش اصلی می‌پردازیم که چالش‌های اعمال اصل صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب تا زمان حاضر، چه بوده است؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، یکی از منابع جدید و دسته اول، گفت‌وگو و مصاحبه با کارگزاران و دیپلمات‌هایی است که مستقیماً در فرایند اعمال و پیگیری این اصل در سیاست خارجی ایفای نقش کرده‌اند. به همین منظور، بدنه اصلی اطلاعات این مقاله از درون گفت‌وگوی علمی با ایشان به کمک روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌مند استخراج گردیده است. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نظریه‌ی سیستمی مورد تحلیل قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه را می‌توان در سه دسته‌بندی نشان داد. اول، پژوهش‌هایی که به معرفی اصل صدور انقلاب پرداخته و از جایگاه نظری به ابعاد و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. دوم، آثاری که مقوله صدور انقلاب را به‌عنوان یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ایران و در نسبت و مقایسه با سایر جنبش‌ها و تحولات صورت گرفته در دیگر کشورها و مناطق جغرافیایی بررسی کرده‌اند. سوم، پژوهش‌هایی که از منظرهای مختلف به نقد سیاست صدور انقلاب پرداخته‌اند؛ و چهارم، مطالعاتی که به نسبت میان مفهوم صدور انقلاب و دیگر پدیده‌های سیاسی و تأثیر و تأثرات آن‌ها بر یکدیگر می‌پردازند.

جدول ۱: منابع مورد بررسی قرار گرفته در پیشینه‌ی تحقیق (طراحی شده توسط محقق)

| سال چاپ | نویسندگان | عنوان پژوهش | موضوع پژوهش | دسته پژوهشی |
|---------|-------------------------------------|---|--|-------------|
| ۱۹۹۵ | روح‌الله خمینی | صدور انقلاب از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) | معرفی اصل صدور انقلاب و جایگاه آن در تعالیم دینی | ۱ |
| ۲۰۰۵ | علی فلاح‌نژاد | سیاست صدور انقلاب اسلامی | بررسی اصل صدور انقلاب از منظرهای مختلف و معرفی ابزارهای صدور | ۱ |
| ۲۰۰۳ | اسپوزیتو | انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن | بررسی مقوله صدور انقلاب به‌عنوان یکی از پدیده‌ها و نتایج متأثر از انقلاب اسلامی ایران در کشورهای مختلف | ۱ |
| ۲۰۱۶ | علی‌اکبر جعفری و ملیحه نیکروش رستمی | بازتاب و الگوهای صدور انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه غرب آسیا؛ مطالعه موردی کشور عراق | بررسی مورد مطالعه‌ی عراق و بازتاب انقلاب ایران بر جنبش مردمی عراق | ۲ |
| ۲۰۱۴ | حسن تلاشان و الماس نصر دهریزی | تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس | تمرکز بر بیداری اسلامی تونس و بررسی تأثیرپذیری آن از انقلاب ایران | ۲ |
| ۲۰۰۹ | بهرام نوازی | صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن | بررسی نظری سیاست صدور انقلاب و معرفی نهادهای متولی آن و ابزارهای پیگیری این سیاست | ۲ |

| | | | | |
|---|--|---|--|------|
| ۳ | نقد و بررسی دکترین صدور انقلاب از منظر سازه‌انگاری و تأثیرات آن بر سیاست خارجی ایران در سال‌های ۶۳ تا ۵۸ | نقد و بررسی دکترین صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۳-۱۳۵۸) | محمدرضا کردستانی و علیرضا ازغندی | ۲۰۲۰ |
| ۳ | بررسی انتقادی گفتمان صدور انقلاب با روش نورمن کلاف | تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی (قدس سره) (۶۰-۱۳۵۷) | سیدحسین اطهری و سمیه زمانی | ۲۰۱۳ |
| ۴ | بررسی کاربست دیپلماسی فرهنگی در پیشبرد سیاست صدور انقلاب | نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی ایران | غلامرضا عراقی | ۲۰۱۵ |
| ۴ | بررسی کاربست دیپلماسی عمومی در پیشبرد سیاست صدور انقلاب | کاربست دیپلماسی عمومی در صدور انقلاب اسلامی | ابوالفضل اسکندری فاروجی و علیرضا آقا حسینی | ۲۰۱۵ |

بررسی‌ها و مطالعات فوق، ابعاد نظری و مفهومی سیاست صدور انقلاب اسلامی را به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصولی نظام جمهوری اسلامی به خوبی مورد بررسی قرار داده و ابعاد متنوع و مختلف این سیاست، ابزارها و نهادهای اثرگذار در پیگیری آن را نیز معرفی نموده‌اند. اما در ارائه‌ی دیدگاهی انتقادی و سازنده به پدیده فوق ناکام بوده و نتوانسته‌اند چالش‌ها و مسائل مختلف مطرح در اطراف این پدیده به‌ویژه در بُعد سیاست خارجی و دستگاه وزارت خارجه را به خوبی تبیین کنند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا بتواند رویکردی نوین را در مطالعات مربوط به صدور انقلاب اسلامی به سرانجام برساند.

روش

این پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد توصیفی - انتقادی بوده که برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ی نخبگانی نیمه‌ساخت‌مند بهره برده است. مصاحبه با نخبگان روشی کیفی است که منظور از آن مصاحبه با نخبگانی است که از قدرت اعمال نفوذ برخوردارند (منوچهری، ۲۰۰۸: ۱۹۵). روش مصاحبه‌ی نخبگانی را نمی‌توان با روش مصاحبه‌ی ساخت‌مند یا استاندارد انجام داد، چرا که اطلاعات هر یک از نخبگان منحصر به فرد است. از طرفی دیگر استفاده از مصاحبه‌ی استاندارد، ممکن است برای یک نخبه توهین‌آمیز و ناخوشایند جلوه کند (سیدامامی، ۲۰۱۲: ۳۱۲). به همین دلیل در اینجا از روش مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌مند استفاده شده تا علاوه بر تأمین نکات قبلی، امکان قبض و بسط بهتری را هم به مصاحبه‌شونده

و هم به مصاحبه‌گیرنده بدهد. براین اساس در این پژوهش به افرادی مراجعه شد که دارای دو مؤلفه‌ی دانش و تجربه عینی و ملموس مرتبط با موضوع صدور انقلاب بودند. در ابتدا نظام مسائل طراحی گردیده و سپس سؤالات محوری استخراج شدند. بر همین مبنای محوریت مصاحبه‌های صورت پذیرفته براساس چالش‌های متفاوتی قرار گرفت که پیگیری سیاست صدور انقلاب برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نهادها و دستگاه‌های متولی و مرتبط با آن داشته است. اسامی مصاحبه‌شونده‌ها و حوزه‌های تخصصی هریک از آنان به شرح جدول ۱ است.

جدول ۲: اسامی و تخصص مصاحبه‌شونده‌ها (طراحی شده توسط محقق)

| نام مصاحبه شونده | تخصص |
|----------------------|--|
| محمدجواد آسایش زارچی | دیپلمات ارشد - سفیر اسبق ایران در در یوگسلاوی، کرواسی، عمان و قطر |
| محمدعلی قانع‌زاده | دیپلمات ارشد - سفیر اسبق ایران در نیجریه، بنین، آفریقای جنوبی و برزیل |
| جواد منصوری | دیپلمات ارشد - اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سفیر اسبق ایران در پاکستان و چین |
| محسن شاطرزاده یزدی | دیپلمات ارشد - سفیر اسبق ایران در برزیل |
| رامین مهمانپرست | دیپلمات ارشد - سفیر اسبق ایران در تایلند، قزاقستان و لهستان - سخنگوی اسبق وزارت خارجه |
| محمد میرصادقی | دیپلمات |
| مصاحبه‌شونده ۱ | دیپلمات ارشد |

به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل محتوای متن محور بهره برده شده است. پژوهشگران در این پژوهش برآنند تا با تحلیل گفتمان مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان به استخراج گزاره‌ها و عباراتی بپردازند که حدود و انواع چالش‌ها را در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی مشخص می‌سازند. در واقع براین اساس تحلیل محتوا در حقیقت توصیف نظام‌مند متن یا سخن بوده که به دنبال کشف محتوای پنهان داده‌ها از ورای گفته‌هاست (جاوید، ۲۰۱۲: ۱۵۸). در تعریفی دیگر بیان شده است که تحلیل محتوا عبارت است از هرگونه روشی که در طی آن ویژگی‌های پیام و محتوا، به صورت منظم و عینی استخراج و استنباط می‌شود. دو ویژگی منظم بودن و عینیت داشتن از ارکان این روش محسوب شده و به تبع آن‌ها، ویژگی تکرارپذیری نیز برای این روش اثبات می‌گردد. یعنی در روش تحلیل محتوا، اقتضائات روش به‌گونه‌ای است که هر پژوهشگر دیگری با بررسی این داده‌ها و در روشی علمی و نظام‌مند، به همین نتایج دست می‌یابد (سرمد، ۱۳۷۹: ۳۵۹). امتیاز بارز این روش آن است که ایده‌ای بر متن تحمیل نشده و الگوها از درون داده‌ها استنباط می‌شود.

گام اول: تولید داده در موضوع

با توجه به مصاحبه‌های جمع‌آوری شده از نخبگان این عرصه در گام اول اقدام به فیش‌نویسی از سخنان نخبگان بر اساس کلیدواژه‌های موضوعی مرتبط با موضوع صدور انقلاب و سیاست خارجی شد. به عبارت دقیق‌تر کلیدواژه‌های: سیاست خارجی، صدور انقلاب، دعوت به اسلام، تبلیغ اسلام، نیروی انسانی، جنبش‌ها و نهضت‌ها، دفاع از اسلام، مقاومت در مصاحبه‌ها جستجو و جمع‌آوری شد. در جدول طراحی شده فیش‌های مربوط به مرحله‌ی ورودی با کد ۱، فیش‌های مرتبط با مرحله‌ی خروجی با کد ۲ و در نهایت فیش‌های در ارتباط با مرحله بازخورد با کد ۳ نشان داده شده‌اند.

گام دوم: تهیه‌ی جداول معنایی

تهیه جداول معنایی با استفاده از فرآیند کدگذاری انجام شده است. کدگذاری، فرایندی است که طی آن متن مطالعه، تحلیل و سپس متناسب با دلالتی که دارد، عددی (کدی) برای آن تعریف می‌شود که در نتیجه آن، معنای مورد نظر در دسته‌ای خاص و معین جای می‌گیرد. به تعبیری، کدگذاری فرایند خرد نمودن موضوع و سپس اتصال دادن یافته‌ها با هدف دستیابی به کلیتی جدید است (طحان نظیف و قلیچ‌پور و پاک‌نژاد، ۲۰۱۹: ۴۷۰). در این مرحله مجموعه فیش‌های به‌دست‌آمده کنترل و پالایش گشته و در نهایت ۱۳ فیش برای بهره‌برداری در این مقاله نگه‌داشته شدند.

گام سوم: تحلیل کدها

در این مرحله ارتباطات بین معانی و دلالت‌های هر فیش را ارائه داده و به اقتضای سؤال‌های پژوهش، آن‌ها را جایابی کرده و تلاش نموده‌ایم در چارچوب نظریه سیستمی به بیان چالش‌های سیاست صدور انقلاب در دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بپردازیم.

جدول ۳: فیش‌های جمع‌آوری شده در نتیجه‌ی مصاحبه‌ی نخبگانی (طراحی شده توسط محقق)

| ردیف | متن | منبع | دلالت | کد |
|------|--|------------|--|----|
| ۱ | آقای هاشمی معتقد بود که جمهوری اسلامی باید با دنیا کنار بیاید. نظر ایشان مبنی بر این بود که ما باید سیاستی مشابه سیاست چین در دوران شیائوپنگ را اتخاذ کرده و تمرکز خود را بر توسعه کشور قراردهیم تا در نتیجه با دستیابی به موفقیت در این عرصه، به‌خودی خود کشور تبدیل به الگویی برای مردم دیگر ممالک شده و به این ترتیب و از این طریق انقلاب صادر شود. | جواد منصور | وجود اختلاف نظر در میان نخبگان سیاسی در خصوص مسئله‌ی صدور انقلاب | ۱ |

| | | | | |
|---|---|-------------------|--|---|
| ۲ | در اصل‌های ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، به موضوعاتی چون «دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان» و حمایت ایران از «مبارزه حق طلبانه مستضعفین جهان در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» پرداخته می‌شود. هیچ کشوری موضوعاتی از این دست را به شکل رسمی اعلام نکرده و آن را در چارچوب حقوقی و قانونی قرار نمی‌دهد. | محمدعلی قانع‌زاده | وضع قوانین حمایت‌گر از سیاست صدور انقلاب و چالش‌های آن | ۱ |
| ۳ | اولین نکته که ورای دیگر چالش‌ها مطرح است، بحث عدم وجود کادر و نیروی انسانی تربیت شده‌ی مناسب و متناسب با اهداف و کارویژه‌های جدید سیاست خارجی در جمهوری اسلامی بود. | رامین مهمانپرست | چالش‌های پیگیری سیاست صدور انقلاب در بُعد نیروی انسانی | ۲ |
| ۴ | از ابتدای انقلاب تاکنون، در نهادها و مراکز مختلف علمی تلاش‌های ناقصی به منظور تربیت این چنین شخصیت‌هایی شده است. علاوه بر این، عدم توجه و اهتمام به بحث مهم تربیت نیروی انسانی متخصص، منجر به تضعیف مقوله مطالعات منطقه‌ای و ابعاد مرتبط با آن در دستگاه سیاست خارجی شده است. | جواد منصوری | چالش‌های پیگیری سیاست صدور انقلاب در بُعد نیروی انسانی | ۲ |
| ۵ | شخصی به‌عنوان رایزن فرهنگی در پاکستان انتخاب شده بود که به هیچ یک از زبان‌های انگلیسی و اردو تسلط نداشت و دلیل اعزام ایشان به مأموریتی در این حوزه، صرفاً تبعید او از محل خدمتش در وزارتخانه‌ای در تهران بوده است. | جواد منصوری | چالش‌های پیگیری سیاست صدور انقلاب در بُعد نیروی انسانی | ۲ |
| ۶ | برخی سازمان‌های ایرانی فعال در عرصه بین‌المللی به شکل مشخصی اقدام به ارائه‌ی گزارشات خلاف واقع می‌کنند. | محمدجواد آسایش | چالش‌های پیگیری سیاست صدور انقلاب در بُعد نیروی انسانی | ۲ |
| ۷ | نبود نوعی سازماندهی و هماهنگی میان نهادهای مختلف درگیر در پروژه صدور انقلاب در بدنه دستگاه سیاست‌خارجی از چالش‌های مهم این حوزه است. | محمد میرصادقی | چالش‌های مربوط به ساختار و روند | ۲ |
| ۸ | وجود نهادها و مؤسسات با حوزه‌های عمل و دغدغه‌ی مشترک که عمده‌تاً نیاز به تأمین مالی | رامین مهمانپرست | چالش‌های مربوط به ساختار و روند | ۲ |

| | | | | |
|---|--|----------------------|--|----|
| | | | و پشتیبانی معتدلی در خارج از کشور دارند، باعث هدررفت نیروی انسانی و منابع مادی شده و در اثر ایجاد نهادها و ساختارهای موازی در خارج از کشور، سیاست خارجی دولت را دچار بی‌نظمی و بی‌هماهنگی می‌کند. | |
| ۲ | چالش‌های مربوط به حمایت از نهضت‌ها در داخل کشور | مصاحبه‌شونده ۱ | سوء استفاده گروهک‌های مدعی در عرصه جنبش‌های اسلامی و ضداستکباری از بیت‌المال مسلمین از موضوعات مهم پیگیری سیاست صدور است. برخی از این افراد که در قالب این گروهک‌ها به چپاول بیت‌المال پرداختند هم‌اکنون در کشورهای منطقه غرب دارای جایگاه و موقعیت سیاسی و مذهبی می‌باشند. | ۹ |
| ۳ | <ul style="list-style-type: none"> • پیگیری سیاست صدور؛ رکن مشترک انقلاب‌ها و دولت‌های جهان • چالش اعلام و اعلان رسمی سیاست صدور انقلاب • واکنش و حساسیت سایر کشورها به اقدامات ایران در پی اعلام سیاست صدور انقلاب | جواد منصوری | صدور فرهنگ از جمله‌ی سیاست‌هایی است که توسط بسیاری از کشورها به اجرا گذاشته شده است. اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی اولین دولتی بود که صریحاً اتخاذ این سیاست را اعلام نمود. اعلام این سیاست باعث حساسیت بسیاری از دولت‌ها از جمله قدرت‌های بزرگ شد. | ۱۰ |
| ۳ | عدم‌پذیرش دولت انقلابی و بروز دشواری برای عمل نمایندگان سیاسی ایران در حوزه دوجانبه | محمدعلی قانع‌زاده | چالش دیگر ما در سیاست خارجی، عدم پذیرش حکومت جدید انقلابی توسط بسیاری از کشورها بود. دلیل آن هم رواج این عقیده بود که نمایندگان ایران قصد به هم زدن نظم موجود و تشویق مسلمانان کشورهای مختلف به آشوب را دارند. | ۱۱ |
| ۳ | <ul style="list-style-type: none"> • تأثیر سیاست صدور بر روابط دوجانبه • واکنش و حساسیت دیگر کشورها به اقدامات فرستادگان سیاسی ایران | محمدعلی قانع‌زاده | اقدامات و حمایت‌های علنی ما از برخی نیروهای معارض در برخی کشورها، باعث اعوجاج و برهم‌خوردن روابط دوجانبه‌ی مبتنی بر منافع متقابل ما و آن کشورها شده بود. به نحوی که نمایندگی‌های ایران در آن کشورها تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و انتظامی قرار داشته و کلیه فعالیت‌های نیروها و نمایندگان | ۱۲ |

| | | | | |
|---|--|---------------|--|----|
| | | | سیاسی ایران به دقت رصد می‌شد تا بلکه از این طریق نوع و میزان رابطه‌ی گروه‌ها و افراد مرتبط با ایران در آن کشورها کشف شود. | |
| ۳ | چالش سیاست صدور برای نمایندگان و فرستادگان سیاسی | محسن شاطرزاده | حساسیت کشورها به سیاست صدور انقلاب منجر به آن شده است که اگر در کشورهای مختلف، تلاش و تمرکز سفرا و نمایندگان سیاسی ایران تنها بر کار برای انقلاب و سیاست صدور انقلاب باشد، دوران مأموریت آن‌ها با کم‌ترین توفیق و نتیجه به پایان می‌رسد. مگر آن‌که در ابتدا ثابت و واضح شود که او تا چقدر می‌تواند منافع مشترک را در جهات اقتصادی، رفاهی و فرهنگی تأمین نماید. سپس به او اجازه می‌دهند که کار کند. | ۱۳ |

چهارچوب نظری

نظریه سیستمی

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در نتیجه‌ی مصاحبه با نخبگان این عرصه در پژوهش حاضر، از چهارچوب نظری سیستمی استفاده می‌شود. رضائیان اشاره می‌کند که تلاش رویکرد سیستمی بر مبنای این است به موضوع مورد نظر، از تمامی ابعاد و نظرهای مختلف و ممکن نگاه شود تا آن‌که منجر به حصول شناختی کامل گردد. وی رویکرد سیستمی را در مقابل رویکرد تجزیه‌گرایی قرار می‌دهد که موضوع را به صورت بخشی بررسی می‌نماید. در واقع براین اساس رویکرد سیستمی، رویکردی کلی‌نگر بوده و همه‌ی اجزای تشکیل دهنده، به هم پیوسته و وابسته‌ی یک کل را که در تعامل و ارتباط با یکدیگر هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. این موضوع از فرضی نشأت می‌گیرد که سیستم را یک کل جدایی‌ناپذیر تصویر می‌کند (رضائیان، ۲۰۰۷: ۱۶). برتالانفی، پایه‌گذار نظریه‌ی عمومی سیستم‌ها معتقد است؛ سیستم، همان تعدادی عنصر است که با یکدیگر ارتباطاتی دارند (فرشاد، ۱۹۸۳: ۴۲). هال و فاگن، سیستم را مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آن‌ها می‌دانند که این اجزا و روابط با ویژگی‌های معینی به هم وابسته شده و با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند (هال و فاگن، ۱۹۸۶: ۸۶). در نهایت دوئرتی و فالتزگراف نیز سیستم را کلیتی که بر اساس وابستگی متقابل موجود در میان اجزایش به شکل یک کل عمل می‌نماید، تعریف می‌کنند. هر سیستم سه عنصر اساسی و بنیادی دارد که عبارتند از: نهاد (ورودی)، برون داد (خروجی) و بازخورد. این سه عنصر در بستر مؤلفه دیگری که محیط نام داشته و به دو نوع داخلی و خارجی وجود دارد، به برهم کنش و تعامل با یکدیگر دست می‌زنند (پالمر، ۱۹۹۳: ۳۰-۲۳).

به این ترتیب با در نظر گرفتن دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان یک سیستم، ورودی‌ها در قالب خواسته‌ها و اهداف مورد نظر نهادها و افراد تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار در عرصه سیاست خارجی (محیط داخلی) و بازیگران و اجزای نظام بین‌الملل (محیط خارجی) تعریف شده که توسط دستگاه سیاست خارجی پالایش شده و سپس در قالب تصمیمات و اقدامات به شکل خروجی وارد محیط می‌گردد. بر این اساس اعضا و اجزای نظام بین‌الملل به فراخور این اعمال و سیاست‌ها، دست به واکنش و تعامل زده که این عمل، بازخورد نامیده می‌شود (استون^۱، ۱۹۶۵: ۴۰-۴۱).

سیاست صدور انقلاب

سابقه طرح ایده یا سیاست صدور انقلاب در قالب یکی از فرآیندها و نتایج وقوع انقلاب و به عنوان یک ارزش و هدف برای دستگاه کارگزاری، به جمهوری اسلامی و باورهای رهبران و زعمانش برمی‌گردد. در انقلاب‌های روسیه ۱۹۱۷ و فرانسه ۱۷۸۹ نیز گرایش‌های شدیدی به انتقال پیام و ارزش‌های مورد حمایت هر یک از آنان به دیگر مناطق جغرافیایی در دنیا مشاهده می‌شود. در واقع روی دادن انقلاب در هر یک از این کشورها، منجر به بروز نقاط عطفی در تاریخ سیاسی کشورهای فراوانی شده و موج تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی در سایر نقاط دنیا را در پی داشته است. چرا که وقوع انقلاب در ارزش‌ها و اصول در هر کشوری، همانند بروز هشدار برای سایر کشورهایی است که در شرایط مشابهی با آن دولت به سر می‌برند. در جمهوری اسلامی و پس از انقلاب ۵۷ پیگیری این سیاست مقوله‌ای بود که به کرات و صراحت توسط بنیان‌گذار و رهبر انقلاب اسلامی ایران - امام خمینی (ره) - مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفت. وی سیاست صدور انقلاب را هم عرض مفهوم صدور اسلام و ارزش‌های آن و تشکیل حکومت اسلامی در کشورهای دیگر قرار می‌دهد (صحیفه امام، ۲۰۰۰، ج ۱۳: ۴۸۶-۴۸۵). علی‌رغم مخالفت افراد و گروه‌های مختلف همانند ملی‌گراها که سیاست صدور انقلاب را خلاف شئون بین‌المللی دانسته و معتقد بودند که ارزش‌های انقلاب تنها در چهارچوب مرزهای ملی قابل طرح است (امام خمینی، ۱۹۹۷: ۱۳-۱۱). اما با این وجود این راهبرد به سرعت تبدیل به یکی از مهم‌ترین محورهای عمل دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بدل گشته و به منظور پیگیری و اعمال هرچه بهتر و مؤثرتر آن نهادها و ساختارهای فراوانی در عرض و طول سیستم‌های موجود بنا شدند. *نوازنی* تعداد این نهادهای متولی اجرا و عملیاتی کردن سیاست مذکور را در جبهه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، نظامی و سیاسی بالغ بر ۲۸ دستگاه ذکر کرده است (نوازنی، ۲۰۰۹: ۱۳۵-۸۴).

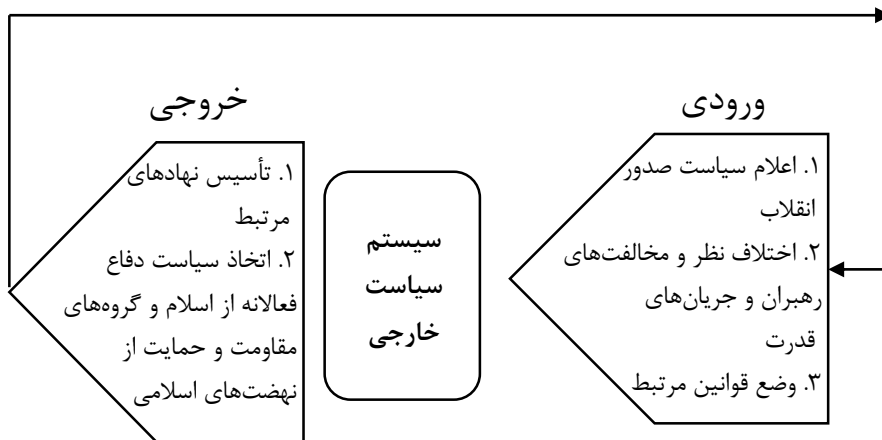
چالش‌های صدور انقلاب

1. Easton

پس از اجرایی شدن سیاست صدور انقلاب مبتنی بر منویات و راهبردهای ابلاغی رهبری انقلاب ۵۷، چالش‌های متعددی دامن‌گیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی شد. با تصویر سیاست خارجی ایران به‌عنوان یک سیستم، بر اساس نظریه‌ی سیستمی برای این مجموعه؛ سه عنصر ورودی، خروجی و بازخورد فرض می‌شود و برهمین اساس تلاش می‌گردد تا چالش‌هایی که سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در هر یک از سه بُعد مذکور تحت تأثیر قرار داده‌اند، تبیین و تحلیل نمود.

بازخورد

۱. حساسیت و جلب‌توجه قدرت‌های بزرگ
۲. مقاومت محیطی کشورها در قالب حساسیت، بدبینی و واکنش زعمای کشورهای مسلمان منطقه و همسایه نسبت به اقدامات ایران
۳. تأثیر بر روابط دوجانبه و چندجانبه ایران با دیگر کشورها



نمودار ۱: مدل سیستمی دستگاه سیاست خارجی (طراحی شده توسط محقق)

چالش‌های ورودی

اعلام صریح و مکرر رهبری انقلاب در خصوص اهمیت، جایگاه و نقش صدور انقلاب در منظومه فکری و عملی راهبردها و اهداف جمهوری اسلامی، باعث بروز اختلاف نظرهایی در میان جریان‌ها و افراد بازمانده از انقلاب اسلامی شد. در میان جناح‌های رقیب سه گرایش و تحلیل متفاوت میان ملی‌گراها، آرمان‌گراها و میانه‌روها پدید آمد. شدیدترین اتخاذ موضع میان دو طرف طیف حاضر، یعنی ملی‌گراها و آرمان‌گرایان رخ

داد. جریان ملی‌گرایی که از شهریور ۱۳۲۰ به صورت یک جریان مخالف و فعال علیه رژیم شاهی در ایران ظهور و بروز داشت، پس از پیروزی انقلاب محور شعارها و سیاست‌هایش را بازسازی ملی در چارچوب هماهنگی با نظام و عرف بین‌المللی قرار داد. این جریان با مطرح شدن سیاست صدور ضمن اعلام مخالفت، اولویت بازسازی ملی را ارجح دانسته و ایرانیت را محور توسعه، رشد و پیگیری اهداف و منافع معرفی کردند. ملی‌گراها، صدور انقلاب را خلاف عرف و قواعد بین‌المللی پنداشته و معتقد بودند ارزش‌های انقلاب را باید در مرزهای ملی ایران حفظ کرده و تمرکز را بر آبادی، آزادی و استقلال ایران قرار داد. از طرف دیگر آرمان‌گرایان نیز با نگاه منفی خود نسبت به ماهیت نظام بین‌الملل و دولت‌های جهان، باور داشتند که باید از تمامی توان نظامی، اقتصادی و سیاسی برای توسعه انقلاب به کشورهای دیگر و آزادی تمامی ممالک دنیا از یوغ استعمار بهره برد. این دیدگاه با رد رویه‌ها و قواعد حاکم بر فضای نظام بین‌الملل، اعتقاد به تلاش ایدئولوژیک برای نابودی این نظام و توسعه ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی داشته و معتقد بود که با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌ها و منابع موجود در کشور می‌توان در راه تحقق این آرمان‌ها گام برداشت (فلاح‌نژاد، ۲۰۰۵: ۵۱-۴۷).

از طرفی دیگر در کنار این تعارضات میان جریان‌های اصلی حاضر در سپهر سیاسی کشور، بین شخصیت‌های تأثیرگذار بر انقلاب و جهت‌گیری‌های آن نیز افرادی حضور داشتند که علی‌رغم آن که در تقسیم‌بندی‌های موجود، جزو جریان ملی‌گرا محسوب نمی‌شدند، اما پیگیری سیاست صدور انقلاب به شکل رادیکال آن را به صلاح مملکت نمی‌دانستند. اکبر هاشمی رفسنجانی از این دسته بود. «وی معتقد بود که جمهوری اسلامی باید با دنیا کنار بیاید. تقریباً مثال مدنظر ایشان، کشور چین بود. چینی‌ها هم‌اکنون با تمام دنیا کار می‌کنند و با هیچکس تضاد ندارند. آن‌ها همچنین به‌عنوان یک سیاست اعلام کردند که با هیچکس دشمنی و نزاع ندارند. این سیاستی بود که توسط دنگ‌شیائوپینگ اعلام شد. نظر آقای هاشمی مبنی بر این بود که ما باید سیاستی مشابه این سیاست را اتخاذ کرده و تمرکز خود را بر توسعه کشور قراردهیم تا در نتیجه با دستیابی به موفقیت در این عرصه، به خودی خود کشور تبدیل به الگویی برای مردم دیگر ممالک شده و به‌این ترتیب و از این طریق انقلاب صادر شود» (منصوری، ۲۰۲۰). این نگاه با رد پیگیری سیاستی فعالانه در قبال جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌خواه اسلامی در ممالک مختلف دنیا و اقدام به حمایت و پشتیبانی از آنان تا زمان موفقیت در مواجهه با استکبار و استعمار؛ بر معانی و تعبیر نرم و فرهنگی از مفهوم صدور انقلاب تأکید دارد.

علاوه بر این اختلاف نظرها، مسئله‌ی دیگر بسط و توسعه این سیاست به شکلی رسمی و قانونی بود. در واقع در دوران پس از پیروزی انقلاب، مفاهیم هم‌راستا با سیاست صدور نه تنها به شکل رسمی توسط مقامات سیاسی و مذهبی اعلان شدند بلکه حتی در قالب‌های مختلف حقوقی و قانونی نیز ظهور و بروز داشتند. در همین خصوص اصل صد و پنجاه و دوم از قانون اساسی جمهوری اسلامی، موضوع «دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان» را به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی کشور بر شمرده و همچنین در اصل صد و پنجاه و چهارم از موضعی رسمی و حقوقی، از «مبارزه حق طلبانه مستضعفین جهان در برابر مستکبرین

در هر نقطه از جهان» اعلام حمایت و حراست می‌شود. هیچ کشوری موضوعاتی از این دست را به شکل رسمی اعلام نکرده و آن را در چارچوب حقوقی و قانونی قرار نمی‌دهد. چنین امری کشور را در برابر اتهام توسعه‌طلبی مطرح شده توسط مخالفان جمهوری اسلامی، بی‌دفاع می‌سازد. طرح اهداف و باورهای حق‌طلبانه‌ای همچون: «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان»، «ایجاد حکومت واحد اسلامی از دیدگاه قرآن»، «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی»، «نفی سلطه‌پذیری و نفی سلطه‌جویی» و «حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین» به شکل رسمی و قانونی باعث ایجاد چالش‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون بوده است (قانع‌زاده، ۲۰۲۰).

چالش‌ها در بخش خروجی

تأسیس نهادهای مرتبط

اعلان و تمرکز بر سیاست صدور انقلاب توسط رهبران انقلاب، منجر به بروز دو دسته واکنش شد. دسته‌ی اول، ایجاد ساختارها و نهادهایی به منظور بهینه‌سازی دستگاه‌های موجود برای پیگیری این سیاست، مثل ایجاد بخش نهضت‌های آزادی‌بخش در ساختار وزارت خارجه (فلاح‌نژاد، ۲۰۰۵: ۱۰۴) و دوم، تأسیس ساختارهای نوین در این راستا؛ که همراه بود با قرارگرفتن سیاست صدور انقلاب در میان اهم اهداف و کارویژه‌های سازمانی این نهادها. از جمله این دسته ساختارها می‌توان دانشگاه امام صادق (ع) و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را نام برد (نوازی، ۲۰۰۹: ۲۲۹). تأسیس این چنین نهادهایی در راستای پیگیری سیاست صدور چالش‌هایی را متوجه سیستم سیاست خارجی جمهوری اسلامی کرد. سیاست تأسیس نهادها و ایجاد ساختار متعدد موجد مسائل و چالش‌هایی شد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

الف. نیروی انسانی

از جمله‌ی این چالش‌ها، فقدان نیروی انسانی متبحر و آرموده‌ای بود که توانایی و ظرفیت ایفای نقش به‌عنوان یک کارگزار مؤثر و متبحر به منظور تحقق و توسعه سیاست صدور انقلاب در پیکره‌ی سیستم سیاست خارجی را داشته باشد. با پیروزی انقلاب، تصفیه نیروهای وابسته به نظام سابق از دستگاه سیاست خارجی و در کنار آن ایجاد و انشاء اصول و اهداف جدید در سیاست کلان جمهوری اسلامی در عرصه خارجی و بین‌الملل، نیازها و استعدادات نوینی، هم در عرصه امکانات و ظرفیت‌های ساختاری و هم از منظر انسانی به‌وجود آمد که طبعاً در رژیم ساقط‌شده پیش‌بینی برای آن نشده بود. اولین نکته که ورای دیگر چالش‌ها مطرح شد، بحث عدم وجود کادر و نیروی انسانی تربیت‌شده‌ی مناسب و متناسب با اهداف و کارویژه‌های جدید سیاست خارجی در جمهوری اسلامی بود (مهمانپرست، ۲۰۲۰). از ابتدای انقلاب تاکنون، در نهادها و مراکز مختلف علمی تلاش‌های ناقصی به منظور تربیت این‌چنین شخصیت‌هایی شده است. افرادی که به فرهنگ و زبان دیگر ممالک به قدری تسلط داشته تا بتوانند عامل برقراری ارتباط مؤثر فرهنگی باشند. جامعه‌المصطفی در این خصوص مثال برجسته‌ای است اما مختص خارجی‌هاست در حالی که باید از نیروها و اتباع ایرانی در این زمینه‌ها تربیت می‌شد. علاوه بر این، عدم توجه و اهتمام به بحث مهم

تربیت نیروی انسانی متخصص، منجر به تضعیف مقوله مطالعات منطقه‌ای و ابعاد مرتبط با آن در دستگاه سیاست خارجی شده است. البته در این خصوص موضوع مهم دیگر، تنوع محل مأموریت‌های کارگزاران دستگاه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی می‌باشد (منصوری، ۲۰۲۰). این امر به جلوگیری از تمرکز کارگزاران و دیپلمات‌ها بر محل‌ها و مناطق مختلف سیاسی که سابقه مأموریت و مطالعه در آن خصوص را داشته‌اند، منجر شده و علاوه بر آن، دانش متراکم و تجربه عملیاتی یک کارگزار مجرب زایل می‌نماید. مقوله‌ای که می‌توانست در صورت حفظ آن شخص در وضعیت ستادی مرتبط به محل مأموریت قبلی، وی را بیش از پیش آماده فرصت بعدی مأموریت کرده و البته کارگزاران کنونی عملیاتی را از ظرفیت مشاوره و تجربه به‌سزایی بهره‌مند سازد.

چالش نبود نیروی انسانی مورد نیاز زمانی تشدید می‌شد که در کنار عدم تربیت و کمبود نیروی متخصص، با مهارت و کارآزموده در این حوزه، موضوع گماشتن افراد نالایق و کم‌برخوردار از مهارت‌ها و دانش‌های لازم در موقعیت‌های سیاسی و فرهنگی اثرگذار در تحقق سیاست صدور نیز مطرح می‌گشت. برای مثال در همین راستا شخصی به‌عنوان رایزن فرهنگی در یکی از کشورهای همسایه انتخاب شده بود که به هیچ یک از زبان‌های انگلیسی و اردو تسلط نداشت و دلیل اعزام ایشان به مأموریتی در این حوزه، صرفاً تبعید او از محل خدمتش در وزارتخانه‌ای در تهران بوده است (منصوری، ۲۰۲۰). علاوه بر این ضعف و بی‌کفایتی افراد در راهبری وظایف محوله و مورد مطالبه، او را وادار به داده‌سازی و جعل اطلاعات در خصوص دستاوردهای دوران مسئولیت و مجموعه اقدامات صورت گرفته در آن حیطه مشخص می‌کند. مثلاً در بررسی صورت گرفته توسط سفیر جمهوری اسلامی در یکی از کشورها از محتویات بسته پستی یکی از نمایندگان نهادهای مسئول در این حوزه، کشف می‌گردد که فرد نماینده در گزارشات خود در خصوص فعالیت‌های شش ماه گذشته اعلام به گزارش ۸۰۰ ملاقات داشته است. امری که به شدت موجبات تعجب سفیر ایران در آن کشور را فراهم می‌کند. این چنین داده‌سازی‌هایی در مواردی که نهادها اقدام به ارسال تنها یک نماینده به یک محل مأموریت می‌کنند، بیشتر مشاهده می‌شود. چراکه امکان راستی‌آزمایی و نظارت را از بین می‌برد (آسایش، ۲۰۲۰).

ب. ضعف سازمانی

نکته‌ی دیگر مطروحه در این مجال، نبود نوعی سازماندهی و هماهنگی میان نهادهای مختلف درگیر در پروژه صدورانقلاب در بدنه دستگاه سیاست خارجی است (میرصادقی، ۲۰۲۰). عدم هماهنگی و عمل سازمان‌یافته میان دستگاه‌های دخیل در امر تحقق سیاست صدورانقلاب، مسائل متعددی را به‌دنبال داشته است. اولین و مهم‌ترین مسئله در این خصوص، کثرت مؤسسات و نهادهای با فعالیت مشابه و اهداف یکسان بوده که منجر به اتخاذ اقدامات و راهبردهای موازی و گاهی متعارض و در نتیجه آن افزایش استفاده از منابع و امکانات برای انجام فعالیت‌ها و نیل به اهدافی است که در صورت وجود تمرکز و سازمان مناسب در میان نهادهای حاضر، با استعداد بسیار کمتر و مضیق‌تری امکان رسیدن به همان نتیجه واحد را فراهم می‌آورد (مهمانپرست، ۲۰۲۰). علاوه بر آن، دخیل بودن افراد و نهادهای متنوع در یک حوزه‌ی مشخص از منافع،

آن هم در منطقه و محدوده‌ی جغرافیایی واحد، که عموماً این حضور بدون اطلاع از کم و کیف سبقه‌ی فعالیت‌های دیگر نهادهای فعال در همان حوزه است، کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را دچار اعوجاج و سردرگمی کرده و راه رسیدن به روابط مستحکم و مبتنی بر منفعت با طرف‌ها و گروه‌های خارجی را سخت و دشوار می‌سازد. چرا که در اثر این پراکندگی، آنچه مورد توجه و مبنای عمل طرف‌ها قرار می‌گیرد عدم وجود وحدت‌رویه و ثبات قدم در مواضع و منافع مورد پیگیری کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در آن منطقه بوده که در واقع نشأت گرفته از تنوع بالای حضور کارگزاران و نمایندگی‌ها آن هم بدون وجود حاکمیت یک مدیریت واحد در این حوزه می‌باشد.

بر این اساس، وجود مقوله‌ی ضعف سازمانی و عدم هماهنگی و یک‌راستایی در میان نهادهای مختلف متولی راهبرد صدور، از جمله مواردی است که به اشکال و روش‌های مختلفی منتج به بروز چالش و مسئله برای سیستم سیاست خارجی شده است.

حمایت از نهضت‌ها

از مهم‌ترین اهرم‌های صدور انقلاب، سیاست حمایت از نهضت‌ها بود. این اقدامات بدین جهت در دستور کار قرار گرفت تا بشود با استفاده از ظرفیت این نهضت‌ها در کشورهای متبوع خود، امکان و زمینه‌های تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران فراهم گردد. پیگیری این سیاست از جمله‌ی مواردی بود که در راستای تحقق سیاست صدور به صراحت توسط رهبری کبیر انقلاب اعلام شد (امام خمینی، ج ۴: ۲۵۰). محوریت یافتن سیاست حمایت از نهضت‌ها در دستگاه سیاست خارجی منجر به بروز چالش‌های مختلفی برای این سیستم شد. از مهم‌ترین این موارد، بروز تناقض میان دو اصل «حمایت از نهضت‌ها» و احترام به حاکمیت سیاسی و اصل «عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها» بوده که کارگزاران و متولیان سیاست خارجی در جمهوری اسلامی و به نوعی کل دستگاه سیاست خارجی را به ورطه‌ها و مصایب مختلفی وارد نموده است. مهم‌ترین بحث در اینجا واکنش و بازخورد سایر کشورهای جهان اعم از همسایگان ایران بوده که به طریقی اکثریت آن‌ها به جهت ویژگی‌های ساختاری و نوع نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در این ممالک حاکم است، با پدیده‌ی ظهور و فعالیت نهضت‌های آزادی‌بخش در کشور خود مواجه بوده و به نوعی مخاطب اصلی سیاست صدور انقلاب ایران محسوب می‌شدند. در این خصوص چالش‌هایی که بازخورد این کشورها برای سیستم سیاست خارجی ایران داشته است را به تفصیل در بخش بازخوردها مورد بررسی قرار می‌دهیم. از طرف دیگر مطرح بودن سیاست حمایت از نهضت‌ها منجر به تمرکز منابع و پشتیبانی‌ها در این خصوص شده که در نهایت بروز سوء استفاده‌ها و خیانت‌های متعددی را در این قالب و در قبال جمهوری اسلامی و اهداف و آرمان مقدس‌اش داشته است. برای مثال در بازرسی‌های صورت گرفته از دفاتر برخی از این گروه‌های آزادی‌بخش در تهران، حیف و میل‌ها و سوء استفاده‌های فراوانی کشف شد که در قالب دریافت کمک‌های مختلف و به بهانه‌ی حمایت از گروه مشخصی در یکی از کشورهای آفریقایی در اختیار آنان قرار گرفته بود. به شکلی که این افراد با تأسیس دفتر نمایندگی

در تهران اقدام به جلب نظر مقامات مسئول کرده و با سوءاستفاده از موقعیت موجود و ارائه‌ی اطلاعات به کلی غلط از تعداد و عده‌ی نیروهای تحت امرشان، اهداف و موقعیت فعلی تحت حاکمیت‌شان و غیره، امکانات و کمک‌های مختلف و متنوعی را در اختیار گرفته که در نهایت با جابه‌جایی این امکانات به دیگر مناطق جغرافیایی و کشورهای دیگر، اقدام به انتفاع مالی می‌نمودند. این چنین گروهک‌هایی از هیچ تلاشی برای بهره‌کشی و سودجویی از آرمان‌ها و ارزش‌های مقدس جمهوری اسلامی و بیت‌المال مسلمین فروگذار نمی‌کردند. از نمونه‌های بسیار خرد و کوچک این اقدامات می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- سوءاستفاده از ذخایر ارزی کشور در قالب ارز یارانه‌ای به منظور اقدام برای سفرهای خارجی.
- مداخله در بازار سکه، ارز و شکر.
- جعل مهرهای حکومتی جمهوری اسلامی.
- جاسوسی برای سفارتخانه‌های خارجی.
- استفاده چندبرابری از کوپن دولتی از طریق داده‌سازی و ارائه اطلاعات مخدوش.

در نهایت دست سوءاستفاده این گروهک‌ها از بیت‌المال مسلمین با اهتمام و توجه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور) وقت قطع شد. برخی از این افراد که در قالب این گروهک‌ها به چپاول بیت‌المال پرداختند هم‌اکنون در کشورهای منطقه غرب دارای جایگاه و موقعیت سیاسی و مذهبی می‌باشند (مصاحبه‌شونده ۱، ۲۰۲۰). براین اساس لازم است کارگزاران و متولیان امر در تداوم و طراحی مناسبات جمهوری اسلامی با چنین شخصیت‌هایی دقت و ملاحظات لازم را به عمل آورند.

چالش‌ها در بخش بازخورد

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد صدور انقلاب سیاسی است که انقلاب‌های مختلفی در طول تاریخ آن را به‌عنوان یکی از اصول و اهداف خود دنبال کرده و برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات متفاوتی را پی گرفته‌اند. در همین خصوص منصوص می‌گوید:

«صدور فرهنگ از جمله‌ی سیاست‌هایی که توسط بسیاری از کشورها به اجرا گذاشته شده است. اما به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی اولین دولتی بود که صریحاً اتخاذ این سیاست را اعلام نمود. برخی تصور می‌کنند جمهوری اسلامی اولین کشوری است که مقوله سیاست صدور انقلاب را طرح و دنبال کرده است اما در واقع همان‌طور که اشاره شد بخلاف نظر بالا در واقع اولین کشوری است که اعلام کرد که پیگیری چنین سیاستی را در برنامه دارد. در همین خصوص به مجموع هزینه‌های گزافی که کشورهای کمونیستی برای ترویج کمونیسم در دنیا کرده‌اند توجه کنید. اعلام این سیاست باعث حساسیت بسیاری از دولت‌ها از جمله قدرت‌های بزرگ شد. فلذا نمایندگان آمریکا یک‌بار به نمایندگان ایران اعلام کرده‌اند در صورتی که جمهوری اسلامی از تبلیغ اسلام دست بردارد، آمریکا حاضر است پرونده‌های حقوق بشری ایران را ببندد. این موضوع تا این اندازه برای آن‌ها حائز اهمیت است. در شهریور سال ۶۱ من به همراه هیئتی به یکی از کنفرانس‌های یونسکو در مکزیک اعزام شدم. در این اجلاس نماینده‌ی عراق در سخنرانی خود صراحتاً اعلام کرد دلیل حمله و جنگ ما با ایران این بود که ایران می‌خواست انقلابش

را به عراق صادر کند. براین اساس ما جنگ را آغاز کردیم تا به این سیاست اجازه تحقق ندهیم. علاوه بر تحولات عراق، قضیه‌ی پاکستان نیز رخ داد. در پاکستان متوجه شدند زمینه‌های ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی خیلی زیاد است، لذا از سال ۶۰ عربستان فعالیت خود را با طراحی اسرائیل و تأمین مالی توسط عربستان، همراه با دخالت و ایفای نقش نیروهای امنیتی و انتظامی پاکستانی در آن کشور آغاز نمود. و موفق شد یک جریان افراطی ضد شیعه به نام «سپاه صحابه» را به راه انداخته و در پاکستان یک جنگ فرهنگی علیه جمهوری اسلامی سازماندهی کنند. اولین قربانی این جریان ضد اسلامی هم شهید عارف حسین بود. در مصر و در سایر کشورها و مناطق نیز تلاش کردند یک سد دفاعی در مقابل نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی؛ چه از طریق نظامی و چه از طرق سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند. بنابراین در حال حاضر، در بحث صدور انقلاب به نوعی یک جنگ نامرئی بین ایران و کشورهای دنیا جریان دارد. چراکه ورود فرهنگ انقلاب اسلامی به منطقه خاورمیانه بسیاری از معادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به هم زد. نخست‌وزیر اسرائیل نیز به این نکته توجه دارد. او اشاره داشت ما برای حاکمیت بر نیل تا فرات همی زمینه‌های لازم را در اختیار داشتیم اما ورود فرهنگ انقلاب اسلامی به منطقه، همه‌ی معادلات ما را به هم زد و امروز مبارزه با اسلام ایرانی مثل سوپ خوردن با چنگال است، یعنی هیچ فایده‌ای ندارد. این مسأله‌ای است که به هر حال دنیا با آن مواجه هست و تلاش دارد با آن مقابله کند» (منصوری، ۲۰۲۰).

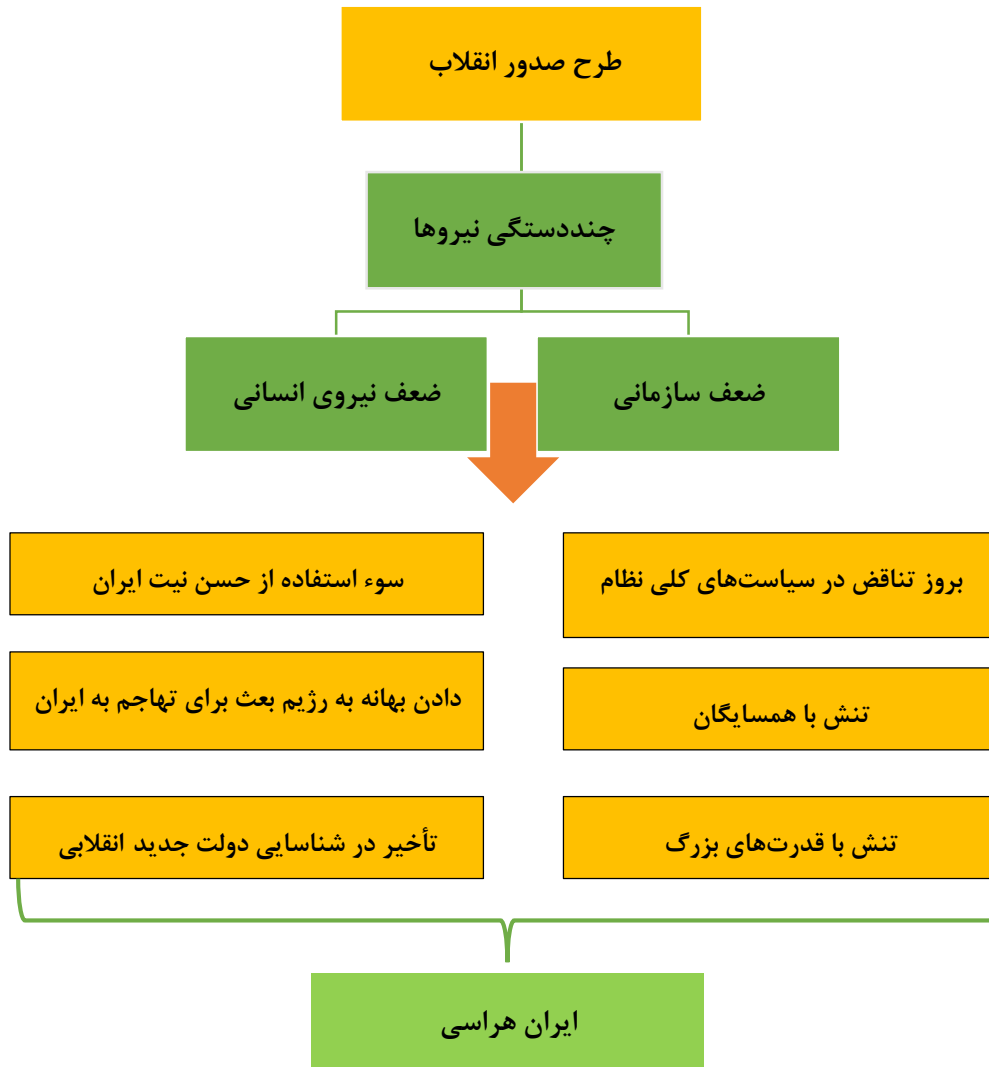
طرح این چنینی ایده‌ی صدور انقلاب، سایر دولت‌های دنیا را نسبت به اقدامات و انگیزه‌های جمهوری اسلامی در بدبینی مفرط قرار داد. این بدبینی در ابتدا منجر به اتخاذ سیاست تدافعی و تهاجمی توسط کشورهای جهان در قبال جمهوری اسلامی شده است. تا آنجایی که حتی در روزهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، مشاهده اظهارات و عقاید رهبران و مسئولان عالی‌رتبه‌ی انقلاب مبنی بر عدم‌پذیرش و رد نظام فعلی حاکم بر عرصه روابط بین‌الملل و (به زعم آن‌ها) دعوت جمهوری اسلامی از مسلمانان به شورش علیه دولت‌ها و کشورهایی که در آن ساکن هستند، باعث طرح مسئله‌ی مهم «عدم شناسایی حکومت جدید انقلابی» توسط بسیاری از کشورها شده بود. این امر مدیریت روابط دوجانبه و امکان بهره‌برداری کارگزاران و نمایندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از ظرفیت‌های کشورهای مختلف به منظور تأمین منافع و ضروریات کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت (قانع‌زاده، ۲۰۲۰). این موضع حتی افق روابط حسنه و صلح‌آمیز با برخی از کشورهای جهان را برای دهه‌ها تیره و تار ساخت (همانند مصر). حساسیت‌های بالا و توجه بسیار مقامات و نهادهای مؤثر در سیاست کشورهای دنیا به سیاست صدور انقلاب و در تداوم آن، رصد دقیق تمامی فعالیت‌ها، رفت‌وآمدها و ارتباطات نمایندگان فرستادگان رسمی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به این کشورها ناظر به کشف و مدیریت هرگونه تلاش آنان مبنی بر ارتباط‌گیری و حمایت از جریان‌های جدایی‌طلب و انقلابی در میان اتباع آن کشورها؛ روند توسعه روابط و بهره‌گیری از مزایای اقتصادی و سیاسی ممکن در اثر ارتقای روابط دوجانبه حسنه را مشکل کرده است (قانع‌زاده، ۲۰۲۰).

در همین خصوص شاطرزاده معتقد است با توجه به شرایط حاکم بر روابط دوجانبه جمهوری اسلامی با دول مختلف از نظر سیاسی و امنیتی، تلاش و تمرکز سفرا و نمایندگان سیاسی اگر تنها بر کار برای انقلاب و سیاست صدور انقلاب باشد، دوران مأموریت آن‌ها با کم‌ترین توفیق و نتیجه به پایان می‌رسد. مگر آن‌که

در ابتدا ثابت و واضح شود که او تا چقدر می‌تواند منافع مشترک را در جهات اقتصادی، رفاهی و فرهنگی تأمین نماید. سپس به او اجازه می‌دهند که کار کند (شاطرزاده، ۲۰۲۰).

بنابراین طرح علنی و مکرر سیاست صدور انقلاب در ابعاد و شکل رسمی در کنار اتخاذ مواضع و رویکردهای اعلامی و اعمالی توسط جمهوری اسلامی و رهبران و مقامات سیاسی آن در ارتباط و ناظر به این سیاست، باعث بروز واکنش‌ها و تنش‌هایی در روابط دوجانبه و چندجانبه‌ی جمهوری اسلامی با دیگر کشورها و موجودیت‌های سیاسی شده است. که حتی از عوارض و نتایج آن می‌توان به وقوع جنگ هشت ساله ایران و عراق و حمایت‌های فراوان سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه همسایگان ایران از عراق در این منازعه اشاره کرد (بی‌بی‌سی عربی، ۲۰۲۰). حسینعلی منتظری در این باره می‌گوید: «مسأله جنگ واقعه‌ی این است که آن اول که انقلاب شد، ما شعارهای تند هم می‌دادیم. شعارهایی مثل «صدور انقلاب» و «امروز ایران و فردا عراق» و ... این شعارهای تند سبب شد، که کشورهای مجاور وحشت بکنند. من رفتم خدمت مرحوم آیت الله خمینی، همین منزل مقابل منزل ما که منزل آقای (محمد) یزدی بود. آنجا خدمت ایشان عرض کردم که همیشه در دنیا رسم است که وقتی که در یک کشوری انقلاب می‌شود هیأت‌های حسن نیت می‌فرستند برای کشورهای مجاور و به کشورهای مجاور حالی می‌کنند که ما با شما کاری نداریم و سوابق و روابط ما همان جوری که بوده هست. و ما متأسفانه این کار را نکردیم و این کار را هرچه زودتر بکنیم بهتر است. برای اینکه الان صدام دارد زمزمه جنگ می‌کند و او قرارداد الجزایر را پاره کرده و بنابراین هر چه زودتر (باید) جلوی این معنا گرفته بشود» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۴).

چنین اقدامات و سیاست‌هایی در دوران پس از دفاع مقدس توسط این کشورها در قالب حمایت از هر طرف و بازیگری که در هر منازعه و تعارض فرضی دیگری علیه هر یک از منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران و موجودیت آن دست به کنش بزند، نیز مشاهده و اعمال شده است.



نمودار ۲: چالش‌های صدور انقلاب در سطح داخلی و خارجی (طراحی شده توسط نویسندگان)

نتیجه‌گیری

متأثر از مفهوم قیام و مبارزه با ظالمان در فرهنگ شیعه و نیز غلبه گفتمانی انقلابی‌گری در نیمه قرن بیستم میلادی، ایده صدور انقلاب به‌عنوان یک سیاست اصلی در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفت. درباره کم و کیف آن و نیز نتایج و دستاوردهای آن تاکنون تحقیقاتی انجام شده است. عموم آن‌ها به‌وجوه و دستاوردهای مثبت آن اشاره کرده‌اند. با این حال، برای کمک به جریان سیاستگذاری خارجی لازم است

چالش‌های داخلی و خارجی که از به ثمر نشستن کامل آن ممانعت به عمل آورد مورد مطالعه قرار بگیرند. در پاره‌ای از اسناد و نوشتارها خصوصاً از سوی مخالفان انقلاب اسلامی، به پیامدهای منفی آن اشاراتی شده است ولی هیچ‌کدام از منظر یک دیپلمات ایرانی که مسئول پیاده‌سازی آن بوده است نمی‌باشد. روایت دیپلمات حاوی صراحت، صداقت و سندیتی است که نظام سیاسی می‌تواند به آن اتکا کند.

برای این منظور با تعدادی از دیپلمات‌های ارشد قرار ملاقات فراهم گردید و سؤالات مصاحبه از قبل در اختیار آن‌ها گذاشته شد. به دلیل شرایط خاص موضوع و مصاحبه‌شونده، از رویکرد مصاحبه نیمه‌ساختمند استفاده گردید. غایت تداوم این مصاحبه‌ها اشباع داده‌ها بود. محصل این مصاحبه‌ها فیش‌برداری و دسته‌بندی موضوعی گردید. در جهت تکمیل آن از منابع مکتوب دیگر استفاده شد. دستگاه سیاست خارجی به‌مثابه یک نظام در نظر گرفته شد که مطابق با نظریه سیستمی خواسته‌ها و انتظارات به‌صورت داده‌های ورودی به داخل آن وارد می‌شوند ولی ویژگی‌های نظام دستکاری‌های خاص خود بر آن‌ها اعمال خواهند شد، در نتیجه خروجی‌ها متفاوت خواهد بود. به‌علاوه نوع خروجی‌ها می‌تواند بر روی ورودی‌ها مجدداً تأثیر بگذارد و سبب بازاندیشی در آن‌ها بشود. وجود تکلیف دینی همراه با شور انقلابی در جهت مبارزه با سلطه، استبدادهای سکولار و احقاق حقوق ملت‌های تحت ستم در ابتدا خود را در مقدمه و اصول قانون اساسی بازتولید کرد. از همین ابتدا چالش‌ها سربرآوردند. درباره کم و کیف حمایت از ملل مستضعف و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش چنددستگی در نیروهای سیاسی شکل گرفت. حتی این‌که چه کسانی یا نهادی متولی پیگیری این مأموریت باشد اختلافات بالا گرفت. برخی اشخاص انقلابی ذی‌نفوذ اگر در مجادلات دیوانسالارانه نمی‌توانستند به پیروزی دست یابند، شخصاً و خودسرانه اقدام به رفتارهایی در خارج از مرزها می‌کردند.

با توجه به ویژگی‌های خاص ساختار اداری جمهوری اسلامی در خروجی‌ها هم چالش‌هایی وجود داشت. نهاد دیپلماسی در قرن بیستم با فرض حفظ ثبات و امنیت جهانی، احترام به حاکمیت کشورها، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و البته حفظ سلسله مراتب قدرت بین‌المللی تشکیل یافته بود. سیاست صدور انقلاب تماماً با این مفروضات تعارض داشت. دیپلمات‌ها و فعالان این عرصه، برای پیگیری دو هدف متناقض‌نمای حفظ دیپلماسی و سیاست صدور انقلاب دانش و تجربه کافی نداشتند. آشفتگی دیوانسالاری چالش بعدی بود. این‌که متولی اصلی این سیاست کجاست، و این‌که سایر نهادها چگونه باید با آن همکاری کنند، محل مناقشه و تنش بود. چالش دیگر این بود که لزوماً افراد و گروه‌هایی که در این باره با ایران همکاری می‌کردند، حسن نیت نداشتند، یا به‌عبارت دیگر، از حسن نیت ایران نسبت به خودشان نهایت سوءاستفاده انجام می‌گرفت. برای مثال بدون هماهنگی با دولت، با جعل مهر رسمی، به اسم ایران، فعالیت‌های برون مرزی انجام می‌دادند.

بعضی از بازخوردها چالش‌برانگیز بودند. این سیاست به ایجاد نگرانی و افزایش تنش با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی منجر گردید. این فضای امنیتی جدید بازتاب‌هایی داشت: بهانه خوبی به رژیم بعثی برای تجاوز به ایران فراهم کرد، تعدادی از کشورها در به رسمیت شناختن رژیم سیاسی جدید در تهران تأخیر نشان دادند، از مقامات ایرانی استقبال سرد یا عدم استقبال به‌عمل می‌آمد، یا اخبار منفی از انقلاب

ایران در رسانه‌های جمعی منطقه و جهانی منتشر می‌گردید. مجموع این بازخوردها به شکل‌گیری ایران‌هراسی منجر گردید.

References

- Asayesh Zarchi, M. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, Interviewer).
- Athari, Seyyed Hossein; Zamani, Somia (2013). “Critical Analysis of Imam Khomeini's Revolution Issuing Speech” (1978-1981), *Islamic Revolution Studies Journal*. No 34: 200-181. (In Persian)
- BBC Arabic (2020). “Al-Iraqi-Iranian al-Dammiya war in the memories of al-Arbaee”, at the address: <https://www.bbc.com/arabic/world-54239290>, access date: 2022/05/24
- BBC Farsi (2013). “From Imprisonment to Hes; The full text of the interview with Ayatollah Montazeri”, at the address: https://www.bbc.com/persian/arts/2014/12/141217_montazeri_interview_long_version, access date: 2022/05/26
- Behestani, Majid (2020). *Diplomacy without tie*, Tehran: Young Thought Center. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2017). *Principles and relations of international foundations (2c)*, Tehran: Samt. (In Persian)
- Easton, David (1965). *A Systems Analysis of Political Life*, New York: Wiley.
- Eskandari Farooji, Abulfazl; Aghahosseini, Alireza (2015). “The use of public diplomacy in exporting the Islamic Revolution”, *Journal of Islamic Revolution Studies*, No 43: 7-26. (In Persian)
- Esposito, John L. (2003). *The Iranian Revolution and its Global Reflection*, Mohsen Modir Shanachi, translator, Tehran: Iran and Islam Recognition Center. (In Persian)
- Fallahnejad, Ali (2005). *Islamic Revolution Export Policy*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Ghanezadeh, M. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, Interviewer).
- Hall, A.D. and Fagen, R.E. (1956). “Definition of System. General Systems, the Yearbook of the Society for Advancement of General Systems Theory”. *The Society, Ann Arbor*, vol 1: 18-28
- Imam Khomeini (2000). *Imam Khomeini's Sahifa*, Tehran: Imam Khomeini's Writing and Publishing Institute. (In Persian)
- Iraqi, Gholamreza (2015). “The role of cultural diplomacy in issuing the Islamic Revolution of Iran”, *Scientific Journal of Islamic Revolution Research*. No 14: 179-157. (In Persian)
- Jafari, Ali Akbar; and Nikravesh Rostami, Maleeha (2017). “The reflection and patterns of the Islamic revolution in the West Asian region; A case study of

- Iraq”, *Scientific Journal of Islamic Revolution Studies*. No 44: 102-81. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1995). *Issuing the Revolution from the perspective of Imam Khomeini (PBUH)*, Tehran: Imam Khomeini Institute for Editing and Publishing. (In Persian)
 - Mansouri, J. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, Interviewer).
 - Mehmanparast, R. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, Interviewer).
 - Mirsadeghi, M. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, Interviewer).
 - Mohammadi, Manouchehr (1987). *Principles of foreign policy of the Islamic Republic*, Tehran: Amirkabir. (In Persian)
 - Mohammadi, Manouchehr (1999). *Islamic Revolution and its Consequences*, Qom: Maarif Publishing House. (In Persian)
 - Nawazani, Bahram (2009). *Exporting the Islamic Revolution: its contexts and international messages*, Tehran: Imam Khomeini Research Institute. (In Persian)
 - Palmer, Monty & et.al (1993). *A new essay on the science of politics*, Manouchehr Shojaei, translator, Tehran: Office of Political and International Studies. (In Persian)
 - Rashid Kordestani, Mohammadreza; Azghandi, Alireza (2020). “Criticism of the Doctrine of exporting the Revolution policy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (1979-1984)”, *Journal of Political Science*, No 60: 143-188. . (In Persian)
 - Rezaian, Ali (2007). *System analysis and design*, Tehran: Samt. (In Persian)
 - Shaterzadeh Yazdi, M. (2020). (M. Nasaj, and M. Behestani, interviewer).
 - Talashan, Hassan, and Nasr Dehrizi, Almas (2014). “The effect of Iran's Islamic revolution on Tunisia's Islamic awakening”, *Siasat magazine*. No 32: 743-762. (In Persian)
 - Velayati, Ali Akbar (1987). “The nature of international relations”. *Foreign Policy Journal*. No 2: 286-275. (In Persian)